

صلى الله عليه وسلم





کلید
بديہا



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

کلید بدیها

از سری کتابهای اخلاق اسلامی

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

قطع: پالتویی

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰۰

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت سازمان: www.awqaf.ir

آدرس: تهران، خ نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی
آدرس مجتمع: قم، خ صفاییه، کوی ممتاز، کوی ۷، پلاک ۳۲ مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی

سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۴۳۱

نمابر: ۰۲۵۱-۷۷۳۷۱۳۱



فهرست

۶	پیشگفتار
۸	مقدمه
۹	چرا راستگویی؟
۱۸	آثار و برکات صداقت
۳۱	جایگاه دروغ در فرهنگ دین
۳۲	مفاسد دروغگویی
۳۶	دروغ های فراگیر
۳۷	انواع دروغ
۳۹	مراتب دروغ
۴۰	قسم دروغ
۴۱	شهادت دروغ
۴۲	علت های دروغگویی
۴۵	علل دروغگویی در کودکان
۵۱	تذکرات پایانی
۵۲	منابع مطالعاتی
۵۳	فهرست منابع



پیشگفتار

اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه‌ی بشری اگر وجود داشت انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند؛ اخلاق که نبود، بی‌اخلاقی وقتی حاکم شد، حرص‌ها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر وارد شد، وقتی این رذائل اخلاقی به میان آمد، زندگی سخت خواهد شد. فضا تنگ خواهد شد. قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد.

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (دام‌ظله)

تاکیدات مکرر امام خامنه‌ای بر لزوم رعایت مسائل اخلاقی، در طول سال‌های گذشته نشان از این دارد که توجه و دقت به امر اخلاق، یک مسئله راهبردی و حیاتی برای جامعه اسلامی است. در واقع رهبری معظم انقلاب به عنوان ناخدای کشتی انقلاب، همواره با تیزبینی و دقت نظر داهیان‌های خود، تلاش نموده تا آفت‌ها و آسیب‌های موجود بر سر راه تعالی و پیشرفت نظام را شناسایی کرده و آنها را برطرف نماید. تذکرات پیاپی معظم له در باب اخلاق، دقیقا از همین سنخ و به منظور جلوگیری از بروز انحراف در حرکت تاریخی ملت ایران است.

دبیرخانه گسترش اخلاق اسلامی به عنوان پاسخی به فرمایشات امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، در معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه استقرار یافته و تلاش دارد تا گام‌هایی در مسیر ترویج اخلاق در جامعه بردارد. یکی از این اقدامات تهیه و تولید کتاب‌های کم‌حجم با موضوع رذائل و فضائل اخلاقی است که نمونه‌ای از آن پیش روی شما قرار دارد. در این اثر سعی شده تا با تکیه بر آیات و روایات و کلمات بزرگان دین، و در عین حال با رعایت اختصار، یک موضوع مهم اخلاقی، بررسی شود. در این جا لازم است از پژوهشگران موسسه فرهنگی دار الهدی که در تهیه این آثار، دبیرخانه را یاری داده‌اند تشکر نماییم. ضمناً از خوانندگان محترم درخواست می‌شود که با انتقادات و پیشنهاد‌های خود، ما را در تهیه آثار بهتر یاری نمایند.

دبیرخانه گسترش اخلاق اسلامی
معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه



مقدمه

«حقیقت ماجرا را نگو؛ اگر بگویی آبرویت می‌رود! راستش را نگو؛ اگر بگویی ضرر می‌کنی! بگو فلان تخصص را دارم تا دخترشان را به تو بدهند! بگو درآمد بالا است تا نظرشان جلب شود! بگو من هم این را قبلاً داشتم تا از دیگران کم نیاوری! هرچند میل زیادی داری، اما به پذیرایی دست نزن تا نشان دهی انسان با شخصیتی هستی. نگو این جنس را چقدر خریدی. اگر واقعیتش را بگویی، نمی‌توانی جنست را با سود بالا بفروشی...». اینها ندهایی است که هر روز در درون ما انسان‌ها، ما را به گفتن دروغ دعوت می‌کنند؛ اما در برابر این دعوت‌ها چه باید کرد؟ آیا باید به آنها پاسخ مثبت داد یا اینکه طور دیگری اندیشید؟ در صداقت چه برکاتی نهفته است؟ دروغ چه ضررهای فردی و اجتماعی دارد؟ انواع دروغی که ممکن است به آن مبتلا باشیم، چیست؟ برای درمان دروغ‌گویی چه باید کرد؟ برآنیم تا با لطف حضرت حق، این سؤالات و چند سؤال اساسی دیگر در این زمینه را به همراه پاسخ‌هایشان با هم مرور کنیم.



چرا راستگویی؟

تمام ادیان و آیین‌ها، انسان را به راستگویی دعوت می‌کنند. بدی دروغ و زیبایی راستگویی، امری فطری و درونی است. عقل همهٔ انسان‌ها، حتی کافرانی که منکر بزرگ‌ترین حقیقت هستی هستند، به زشتی و ناپسندی دروغگویی حکم می‌کند. ساکنان کره زمین، با همهٔ اختلافاتی که در زمینه‌های مختلف با هم دارند، در بدی دروغ با هم متحد هستند.

علاوه بر آن، در متون دینی، برکات و نتایج بزرگی را برای صداقت و درستی و همچنین ضررها و مفساد فراوانی را برای دروغگویی بیان نموده‌اند که خود دلیل دیگری بر ترک دروغ و آراسته شدن به لباس زیبای صداقت است. در ادامه، به برخی از این بیانات شریف اشاره می‌کنیم.

ضرورت بحث:

در روایاتی که در ادامه ملاحظه می‌نمایید، دروغ کلید همه بدی‌ها و صداقت اصلاح‌کننده همه امور معرفی شده است. از این رو اصلاح مشکل دروغگویی موجب اصلاح همه معایب انسان و بسیاری از ناهنجاریهای جامعه خواهد شد.

اهمیت صداقت از نظر اسلام

اهمیت صداقت در قرآن: در قرآن کریم ده‌ها آیه بر صداقت و پاکی گفتار تأکید دارد که فقط به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

الف) صداقت، صفت ممتاز: در سوره مبارکه توبه که توبه به ما سفارش شده که با «صادقین» باشیم:



«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید،
و با صادقان باشید!»

روایات متعددی در ذیل این آیه شریفه وارد شده که بیان می‌کند
صادقین در مرتبه اول، حضرات معصومین علیهم‌السلام هستند.^۲
بدون شک اهل بیت علیهم‌السلام دارای صدها و هزاران صفت نیکو و زیبا
هستند؛ اما اینکه قرآن از بین همه صفات این بزرگواران، صداقت
ایشان را انتخاب و آنان را با این وصف یاد می‌کند، بیانگر اهمیت
والای این صفت است. گویا با صادقین بودن، خود علت و راهکار
مهمی برای رسیدن به کمالات معنوی محسوب می‌شود.^۳

ب) اجر عظیم صداقت :

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَ
الْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَ
الْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ
وَ الصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ
كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا^۴

به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و
زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان
خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و
زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان

۱. توبه: ۱۱۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳. به تعبیر علمی، در اینجا وصف می‌تواند مشعر به علیت باشد.

۴. احزاب: ۳۵.

انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. چنان که ملاحظه نمودید، خداوند متعال در این آیه کریمه، مژده می دهد که برای مردان و زنانی که اهل صداقت هستند و دیگر شرایط بندگی را رعایت کنند، مغفرت عظیم و اجر بزرگی آماده نموده است.^۱

ج) صداقت، شرط بندگی:

«الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»^۲

شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و آنان که در سحرگاهان آمرزش می طلبند».

قرآن در سوره مبارکه آل عمران، خصوصیات کسانی را بیان می کند که به مقام منیع و رفیع بندگی رسیده اند. برای بندگان خدا شش خصوصیت را ذکر می نماید که از جمله این خصوصیات، صداقت در گفتار و رفتار است. از نظر قرآن کسانی که دروغ گفتن عادت روزانه آنها شده است، از دایره بندگان خدا خارج و بنده نفس پلید و شیطان لعین هستند.

اهمیت صداقت در آیینه روایات اهل بیت علیهم السلام:

در بیانات نجات بخش اهل بیت علیهم السلام به تأکیدات فراوانی در مورد راستگویی برخورد می کنیم که بعضی از آنها را مرور می کنیم.

۱. علامه طباطبایی می فرماید: «نکره آمدن مغفرت و اجر، به منظور تعظیم آن است».

المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۱۴.

۲. آل عمران: ۱۷.



الف) صداقت، ستون اسلام:

امیر راستگویان عالم، حضرت علی علیه السلام، صداقت را ستون و ملاک اسلام می‌دانند.^۱ همچنان‌که اگر ستونی نداشته باشیم، برپا نمودن خیمه ممکن نیست، اگر صداقت در رفتار و گفتار افراد جامعه نباشد، نمی‌توان جامعه اسلامی را بنا نمود.

ب) صداقت، ملاک دینداری:

ما معمولاً زیاد نماز خواندن و رکوع و سجده طولانی را معیار دینداری افراد می‌دانیم. اما باید دانست هرچند نماز خواندن و طول دادن سجده و رکوع، چنانچه با شرایط باشد، توفیق بزرگی است، از نظر دین ملاک دینداری محسوب نمی‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ
اعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لَذَلِكَ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى
صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ آدَاءِ أَمَانَتِهِ؛^۲

به زیادی نماز و روزه و حج و احسان و ذکر شبانه مردم منگرید، چونکه با انجان آنها عادت نموده که اگر آنها را ترک نماید به وحشت می‌افتد بلکه به راستگویی و امانتداری آنها توجه کنید.

اگر انسان آنگاه که منافع مادی یا آبرویش به خطر می‌افتد یا زمانی که با گفتن یک دروغ می‌تواند میلیون‌ها بلکه میلیاردها تومان به جیب بزند، پا بر نفس خود گذاشت و صداقت از خود نشان داد، دیندار واقعی است.

۱. آمدی، غررالحکم، ص ۲۱۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

نکته روان‌شناسانه این حدیث شریف این است که گاهی انجام برخی امور پسندیده مانند عبادات و اذکار، عادت شخص می‌شود. به این معنی که دیگر از روی معرفت و علاقه آن را انجام نمی‌دهد؛ بلکه صرفاً از روی عادت به این عبادات مبادرت می‌ورزد که در این صورت این اعمال آثار کمتری خواهند داشت. در واقع شخص آن‌چنان به این اعمال عادت نموده که اگر آنها را ترک کند، دچار وحشت و استرس می‌شود. گویا انجام این اعمال جزئی از شخصیت او شده که با ترک آن دچار بحران شخصیت می‌شود. در حالی که انسان باید هر عملی را با نیت و شناخت و اشتیاق قلبی انجام دهد؛ نه از باب عادت و تکرار. چنان‌که حضرت امیر علیه السلام عادت را یکی از آفات خودسازی معرفی می‌نمایند.^۱

ج) رابطه ایمان و صداقت:

ایمان، تمام سرمایه یک انسان برای سعادت‌مند شدن و مایه خوشبختی، آرامش و احساس موفقیت است. ایمان تنها و بهترین توشه انسانی است که سفر بلند آخرت را در پیش دارد. اگر این توشه را با خود همراه نداشته باشد، سالیانی در عذاب، رنج و سختی غیرقابل وصف خواهد بود. از این رو بسیار مهم است که آفات ایمان را بشناسیم. حضرت علی علیه السلام که به خوبی انسان و قواعد حاکم بر هستی را می‌شناسد، چنین می‌فرماید:

«لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكُذْبَ هَزْلَهُ وَ جِدَّهُ»^۲
انسان تا وقتی دروغ را، چه شوخی باشد و چه جدی، ترک نکند، هرگز طعم ایمان را نخواهد چشید.

۱. قال علی علیه السلام: «أَفَةُ الرِّيَاضَةِ غَلْبَةُ الْعَادَةِ»؛ آمدی، غررالحکم، ص ۲۳۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۴۰.



آری، ایمان طعمی شیرین و آرام‌بخش دارد. آنها که طعمش چشیده‌اند حاضر نیستند آن را با هیچ چیز عوض کنند. حاضر هستند ضرر مادی بکنند، اما از بهشت ایمان خارج نشوند. حاضر هستند در نظر برخی به ظاهر کم‌آبرو بشوند، اما صفای ایمان را از دست ندهند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

«ایمان آن است که راستی را بر دروغ ترجیح دهی؛ هر چند راستی به زیان‌ت باشد و دروغ ظاهراً به سودت باشد.»^۱

۵) صداقت، ملاک تقرب:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي عَدَاً وَ أَوْجَبُكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةٌ أَصَدَقُكُمْ لِسَانًا وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ؛^۲

فردای قیامت کسی از همه به من نزدیک‌تر است که

زبان راستگوتری داشته باشد و امانات دیگران را بیشتر

ادا کند و اخلاق نیکوتری داشته و مردم‌دارتر باشد.»

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت، مرکز و سرچشمه همه

نعمت‌ها، لذت‌ها و انوار هستند. هر کس به ایشان نزدیک‌تر

باشد، از نعمت‌های بیشتری برخوردار است و هر کس از ایشان دور

باشد، از همه خوبی‌ها و بهره‌ها دور است. در این بین دروغگوها از

حضرت دور و به همه بدی‌ها نزدیک هستند.

۵) صداقت، رمز رسیدن به نبوت:

صداقت به قدری ارزش دارد که یکی از شروط نبوت معرفی شده

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲ ص ۲۵۵.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۰۸.



است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ
الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ؛^۱

حضرت حق هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر به علت راستگویی و امانت‌داری برای انسان‌های خوب و گنهکار. آیات متعددی در قرآن، انبیای الهی را مدح و ستایش کرده است. قرآن، در بین همه صفات خوب انبیا علیهم السلام، چند صفت را برجسته می‌کند. گویا این چند صفت از همه مهم‌تر است. یکی از آنها صداقت است؛ مثلاً درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

«وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا؛^۲ در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر (خدا) بود!»

(و) اهمیت صداقت در تجارت:

یکی از مواردی که پای بسیاری می‌لغزد و در پرتگاه دروغ می‌افتند، فضای کسب و کار و تجارت است. از زمان‌های قدیم بوده‌اند کاسبانی که با دروغ و فریب، جنس خود را می‌فروخته‌اند و به گمان خود با این کار، سود به دست می‌آورده‌اند. البته صداقت در کسب سخت است؛ چون ممکن است مشتری از دست برود؛ اما در عوض صداقت در کسب از فضیلت و ارزش مضاعفی برخوردار است. کاسب صادق ممکن است سود مادی کمتری به دست آورد، اما اجر و پاداش اخروی فراوانی نصیبش می‌شود. در بیانات اهل بیت علیهم السلام، بشارت‌های فراوانی به کاسبان راستگو داده شده است.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. مریم: ۴۱. مشابه این آیه در شأن حضرت ادریس (علیه السلام) نیز آمده است. مریم: ۵۹.



پیامبر خدا ﷺ در احادیثی می‌فرماید:

تاجر درستکار، راستگو و مسلمان، در قیامت با شهیدان است. تاجر راستگو در روز قیامت زیر سایه عرش است. درهای بهشت به روی تاجر راستگو بسته نمی‌شود. تاجر راستگو و درستکار، در کنار پیامبران و صدیقان و شهیدان است. خداوند سه نفر را بدون حسابرسی وارد بهشت می‌کند: پیشوای دادگر، تاجر راستگو و پیری که عمر خود را در طاعت خدا گذرانده باشد.^۱

تاجری بامعرفت

با بعضی از دوستان تصمیم گرفت که به شهری دیگر برای تجارت برود. امیدش به خدا بود. مثل هر تاجر دیگری به دنبال سود بیشتر و با برکت‌تر بود. هر چه فکر کرد، دید همه خیرات به دست امام زمانش است. این قدر معرفت داشت که بداند امام آبروی زیادی نزد خدا دارد و اگر دستی بر آسمان بلند کند، جبران همه کمبودها و گناهیانی را می‌نماید که رزقش را کم نموده است. از این رو با خود گفت:

«باید به محضر حضرت صادق علیه السلام برسم تا ضمن عرض ادب و درخواست دعا، با ایشان در امر تجارت مشورت بکنم». خود را به امام رساند و به ایشان عرض کرد: «یا بن رسول الله! من قصد مسافرت برای تجارت دارم و بر خود واجب کردم که تا شما را زیارت نکنم و با شما مشورت نکنم، به این سفر نروم». حضرت در جوابش فرمودند:

بر تو باد که در گفتارت صداقت داشته باشی و عیب کالایت

۱. ر ک: محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۱.



.....کلیدبدها.....

را مخفی ننمایی و به کسی که به تو اعتماد می‌نماید،
 ضرر نزنی؛ چراکه ضرر زدن به او حرام است. و برای مردم
 همان را بخواهی که برای خود می‌خواهی. هم در دادن و
 هم در گرفتن، رعایت حق را بکنی. نترس و خیانت نکن؛
 زیرا تاجری که صداقت داشته باشد، روز قیامت با انبیای
 گرامی محشور می‌شود.^۱

(ز) صداقت، روح کلام:

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«الْصِّدْقُ رُوحُ الْكَلَامِ؛^۲ صداقت روح و جان کلام است.»

کلامی که صادق نباشد روح ندارد؛ از این رو نباید از آن انتظار تأثیر
 و برکت و خوشی‌مندی داشت.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸۵.

۲. آمدی، غرر الحکم، ص ۲۱۸.



آثار و برکات صداقت

۱. آثار فردی صداقت

الف) صداقت، اصلاح کننده تمام امور:

قال علی علیه السلام: «الْصِّدْقُ صَلاَحٌ كُلُّ شَيْءٍ، الْكِذْبُ فَسَادٌ كُلُّ شَيْءٍ»^۱
صداقت اصلاح کننده همه چیز و دروغ فاسد کننده همه چیز است.

گنهکار با محبت

چهار گناه بزرگ را خیلی دوست می داشت. گویا به آن عادت کرده بود. روزی توفیق شرفیابی به محضر حبیب و بهترین مخلوق خدا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را پیدا نمود. در محضر نورانی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست. بعد از مدتی که به صورت نورانی او نگاه کرد و به صحبت های ایشان گوش داد، به شدت تحت تأثیر نورانیت و معنویت حضرت قرار گرفت. به همین علت رو به حضرت کرد و عرض نمود:

«ای رسول خدا! چهار گناه را خیلی دوست دارم: ارتباط جنسی نامشروع، شرابخواری، دزدی و دروغ. اما هر کدام را که بفرمایید به خاطر شما ترک می کنم».

حضرت فرمود: «دروغ را رها کن». مرد رفت و تصمیم به رابطه نامشروع گرفت؛ اما با خود گفت: اگر پیامبر از من بپرسد [که زنا کرده ای یا نه؟] اگر انکار کنم، قولی را که به ایشان داده ام شکسته ام و اگر هم اقرار کنم، حد می خورم». تصمیم گرفت دزدی کند، بعد تصمیم گرفت شراب بخورد؛ اما هر بار همین فکر را با خود کرد. لذا نزد رسول خدا برگشت و عرض کرد: «شما راه را بکلی بر من

۱. همان، ص ۲۱۹ و ص ۲۲۰.

بستید؛ من همه این کارها را رها کردم»^۱.

ب) صداقت، مایه برکت:

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«الصِّدْقُ مُبَارَكٌ وَ الكَذِبُ مَشْوُومٌ»^۲

صدق مایه برکت و دروغ باعث شومی و بدعاقبتی می‌شود. برکتی که صداقت در زندگی و کسب و کار ایجاد می‌کند، از تأثیرات خیالی و زودگذر هر نوع دروغی بیشتر است.

ج) صداقت، مایه جلب عنایات الهی:

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«أَلَا فَاصْدُقُوا؛ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ مَنْ صَدَقَ»^۳

صداقت داشته باشید؛ چراکه دست عنایت الهی با کسی است که راست بگوید.

آیا دست عنایت الهی در موفقیت در امور مؤثرتر است یا فریب و نیرنگ؟

د) صداقت، راه رسیدن به آرامش:

انسانی که در روابط اجتماعی خود به دیگران دروغ می‌گوید، همیشه نگران فاش شدن دروغ خویش است. می‌ترسد که مبادا حقیقت را بفهمند و آبرویش برود و... از طرفی به واسطه برخورداری از فطرت الهی، همواره با خود درگیر و از دست خویش ناراحت و عصبانی است که چرا من دورو و دروغگو هستم. به همین علت روی

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۵۷.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۳.

۳. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۲۱۶.



آرامش و آسایش را نخواهد دید. جوانی که با گفتن دروغ نظر طرف مقابل خود را برای ازدواج جلب نموده، همیشه حتی در بهترین و شیرین‌ترین لحظات زندگی‌اش به فکر این است که نکند همسرش واقعیت را بفهمد و زندگی‌اش از دست برود. روزی نیست که در جراید نخوانیم فلان آقا یا خانم به خاطر اینکه طرف مقابلش هنگام خواستگاری به او دروغ گفته، درخواست طلاق کرده است. وقتی هم به ادامه زندگی سفارش می‌شود، جواب می‌دهد من با کسی که به من خیانت کرده و احساسات و شخصیت مرا به بازی گرفته، نمی‌توانم زیر یک سقف زندگی کنم. آیا ارزش دارد که یک عمر در استرس و فشار زندگی کنیم؟!

حضرت علی علیه السلام کذب را مایه هلاکت می‌دانند و می‌فرمایند:

«دَعْ مَا يُرِيْبُكَ إِلَىٰ مَا لَا يُرِيْبُكَ فَإِنَّ الْكَذِبَ رِيْبَةٌ وَ إِنَّ الصَّدْقَ طَمَأْنِينَةٌ!»

آنچه مایه هلاکت تو می‌شود، رها کن و به آنچه تو را هلاک نمی‌کند پناه ببر. همانا کذب مایه هلاکت و راستگویی مایه آرامش است.»

انسان صادق و یکره همیشه راحت و آزاد است و از اینکه چیزی از او منتشر شود، نگران نیست. از طرفی در درون او بین وجدان و عقلش همیشه جنگ و درگیری نیست و از نحوه زندگی‌اش رضایت دارد. فرد دروغگو همیشه به دیگران و وقایع اطرافش بد گمان است و نگران اینکه آیا طرف مقابل به او دروغ گفت یا نه؟ لذا در زندگی از آرامش کمتری برخوردار است. به این داستان زیبا توجه نمایید:

پسر و دختری کوچک با هم بازی میکردند. پسر کوچولو یک سری توله داشت و دختر کوچولو چندتایی شیرینی با

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۱۴.



خودش داشت. پسر کوچولو به دختر کوچولو گفت من همه تيله هام را به تو ميدهم؛ تو همه شيرينيات را به من بده. دختر کوچولو قبول كرد.

پسر کوچولو بزرگترين و قشنگترين تيله را يواشكي براي خودش کنار گذاشت و بقيه را به دختر کوچولو داد. اما دختر کوچولو همون جوري كه قول داده بود تمام شيريني ها را به پسر ك داد.

همون شب دختر کوچولو با آرامش تمام خوابيد و خوابش برد. ولي پسر کوچولو نمي توانست بخوابد. چون به اين فكر مي كرد كه همانطوري خودش بهترين تيله را يواشكي پنهان کرده، شايد دختر کوچولو هم مثل او يك خورده از شيرينيها را پنهان کرده و همه شيريني ها رو به او نداده است.

ه) صداقت و دیدن رؤیای صادق:

يكي از عنایاتي كه حضرت حق در مسير رشد و تعالی انسان مومن به او مي كند، دیدن رویاهای صادق است. بسیاری از تذکرات و هشدارها یا بشارتها در خواب به انسان مومن داده می شود. اگر این خوابها تعبیر صحیح شوند و از نوع شیطانی و خیالی نباشند، می توانند راه حل مشکلات زیادی را نشان دهند. اما شرط دیدن رویای صادق چیست؟ حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله در این رابطه می فرمایند:

« سخن لطیفی از ابوعلی سینا رسیده است كه آن را خواجه [نصیر طوسی] و بزرگان دیگر هم گفته اند. آن سخن این است كه اگر کسی در گفتار و نوشتار و به طور کلی در همه بخش های سنت و سیرتش، راستگو باشد، خواب های راست می بیند. روح انسان دروغگو مانند



چشم «أَحْوَل» است و حقیقت را درست نمی‌بیند. در عالم رؤیا حقیقت را به انسان نشان می‌دهند؛ ولی کسانی که در بیداری خیال‌پرداز و پرحرف هستند و مرز حلال و حرام را نمی‌شناسند، به رؤیاهایی می‌رسند که مُعَبِّر را از تعبیر عاجز می‌کند که این‌گونه خواب‌ها به «أَضْغَاثِ أَحْلَامٍ» موسوم است. ولی روح انسان راستگو، صادق است و روح صادق هنگامی که سخن می‌گوید، درست می‌گوید و این نشان می‌دهد که هم درست می‌بیند و هم درست خبر می‌دهد و خبری را هم که می‌دهد، واقع می‌شود. چون او آنچه را که باید اتفاق بیفتد دیده و درست هم دیده است. پس راستگویی نشانه‌هایی دارد که یکی از آنها، بررسی خواب است؛^۲

(و) صداقت، باب بهشت:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ»^۳

بر شما باد به صداقت، زیرا دری از درهای بهشت است.»

ایشان در روایتی دیگر فرمودند:

«من برای سه دسته، یک خانه در پایین بهشت و یک خانه

در وسط بهشت و یک خانه در بالاترین مراتب بهشت ضمانت

می‌کنم: برای کسی که از بحث و جدل بیهوده پرهیزد، هر چند حق

با او باشد. برای کسی که از دروغ دوری کند، هر چند به شوخی باشد

و برای کسی که اخلاق نیکویی داشته باشد.»^۴

شخصی از حضرت پرسید: «یا رسول الله، کدام عمل ما را به بهشت

۱. احوال به کسی می‌گویند که دو بین و به تعبیر عامیانه، لوج باشد.

۲. عبدالله جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ص ۲۴۸ با اندکی تلخیص.

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۷۶.

۴. شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۱۴۴.

می‌رساند؟» حضرت فرمودند: «راستگویی؛ چراکه هر کس صادق شود، اهل نیکوکاری می‌شود و هر کس نیکوکار شد، توفیق ایمان پیدا می‌نماید و هر کس که مؤمن شد، وارد بهشت می‌شود.» آن فرد از حضرت سؤال کرد: «یا رسول‌الله، چه عملی ما را وارد جهنم می‌کند؟» حضرت فرمودند: «دروغگویی؛ زیرا هرگاه شخص دروغگو شد، اهل فسق و فجور می‌گردد و هر کس اهل گناه و فسق شد، در نهایت کافر می‌شود و هر کس کافر گردید، حتماً وارد جهنم خواهد شد.»^۱

۲. آثار اجتماعی صداقت

(الف) صداقت و عزت اجتماعی:

همه انسان‌ها با هر آیین و مرام، فطرتاً از دروغ و دروغگو بیزار و متنفر هستند و انسان با صداقت را دوست دارند. خیلی اوقات دزد را فقط به علت صداقت و شجاعتی که از خود بروز داده و اقرار و طلب حلالیتش، می‌بخشند؛ چون صداقت دوست داشتنی است، هرچند به ضرر انسان باشد. از این رو انسانی که چه بسا کمالات مادی و اخلاقی بسیاری ندارد، اما صداقت در رفتار و گفتار دارد، پیش همه عزیز است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الصَّدْقُ عِزٌّ؛^۲ صداقت مایه عزت و آبرو است.»

حضرت امیر علیه السلام نیز می‌فرماید:

«بر تو باد به صداقت؛ چراکه هر کس در گفتارش صداقت داشته باشد، قدر و منزلتش بالا خواهد رفت.»^۳

۱. دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۶.

۳. آمدی، غررالحکم، ص ۲۱۹.



ب) صداقت و کسب اعتماد دیگران:

انسان برای اینکه بتواند در اجتماع زندگی کند و در زندگی خود موفق باشد، نیاز دارد تا اجتماع او را بپذیرد و به او اعتماد نماید. اعتماد اجتماعی سرمایه مهم انسان برای زندگی است؛ سرمایه‌ای که آن را نمی‌توان با هیچ پول و قیمتی خرید. فقط با صداقت و درستی در رفتار و گفتار است که اجتماع به ما اعتماد می‌کند و به محض اینکه چند مرتبه از یک نفر دروغ بشنود، به سرعت و بدون هیچ ملاحظه‌ای اعتماد خود را به او از دست می‌دهد. انسانی که با گفتار و رفتار خود صداقت و پاکی خویش را ثابت نماید، نزد همه منزلت دارد و در مال همه شریک است.

حضرت امیر علیه السلام چنین مژده می‌دهند که:

«یکتسب الصادق بصدقه ثلاثا حسن الثقة به و المحبة له و المهابة عنه؛^۱

انسان صادق به واسطه صداقتش سه چیز به دست می‌آورد: اعتماد نیکوی دیگران به او، محبت و علاقه دیگران، هیبت و عظمت در دل دیگران».

داستانی زیبا از انسانی صادق

اوضاع کسب پدرش از هم پاشید و طلبکاران در فشارش گذاشتند. فرزند آن تاجر که جوان فهمیده و بافراستی بود، از سرگذشت تلخ پدر درس عبرت گرفت و از آن واقعه دردناک، تجربه آموخت و متوجه شد که ممکن است تنها یک خیانت، حیثیت و شرف آدمی را بر باد دهد و زندگی

۱. همان.



آبرومند و با عزتی را به بدنامی و ذلت تبدیل کند. تصمیم گرفت هرگز پیرامون خیانت و گناه نگردد و همواره پاکی و تقوا را پیشه خود سازد. رفتار پسندیده پسر، مایه محبوبیت و عزتش شد. اتفاقاً در همسایگی آنان افسر ارشدی بود که از طرف عبدالملک مروان مأموریت یافت که همراه سربازان مسلمان به جبهه جنگ روم برود. آن افسر قبل از حرکت آن پسر را طلبید و تمام سرمایه نقد خود را که ده هزار دینار طلا بود به او سپرد و گفت: این طلاها نزد تو امانت باشد، من به جبهه جنگ می‌روم. اگر به سلامت برگشتم، شخصاً آنها را دریافت می‌کنم و حق‌العمل امانت‌داری تو را می‌پردازم. اگر کشته شدم، مراقب باش. هر وقت دیدی زن و فرزندان من در فشار قرار گرفتند، یک‌دهم آن را برای خود بردار و بقیه را در اختیار آنها بگذار تا آبرومندانه زندگی کنند. آن افسر به سفر رفت و در جنگ کشته شد. پدر آن جوان، همان تاجر شکست‌خورده، وقتی از کشته شدن همسایه خود آگاه شد، به پسر گفت: هیچ کس از طلاهایی که نزد تو امانت است، خبر ندارد. من اکنون در مضیقه و تنگدستی هستم. مقداری از آن را به من بده، هر وقت در زندگی‌ام گشایشی پیدا شد، به تو برمی‌گردانم. جوان گفت: پدر، تو از خیانت و نادرستی به این روزگار گرفتار شدی. به خدا قسم اگر اعضای بدنم را قطعه قطعه کنند، در امانت خیانت نخواهم کرد و اشتباه تو را تکرار نمی‌کنم و موجبات بدبختی خود را فراهم نمی‌آورم. مدتی گذشت. بازماندگان افسر مقتول پیریشان احوال شدند. نزد آن جوان آمدند و از وی خواستند که نامه‌ای از زبان آنان برای عبدالملک مروان بنویسد و فقر و تهیدستی آنها را به اطلاع



خلیفه مسلمانان برساند، شاید مؤثر واقع شود و به آنها کمکی کند. نامه را نوشت و تسلیم آنان کرد؛ ولی نتیجه‌ای نداشت؛ زیرا عبدالملک پاسخ داده بود که هر کس کشته شود، نامش از دیوان بیت‌المال حذف می‌شود. وقتی جوان از جواب عبدالملک و ناامیدی بازماندگان افسر مقتول آگاه شد، با خود گفت: اکنون هنگام آن رسیده است که طلاها را در اختیار آنان بگذارم و از فقر و تنگدستی رهانشان سازم. فرزندان افسر را به منزل خود طلبید و گفت: پدر شما نزد من مقداری سکه طلا به امانت گذارده و سفارش کرده است که در روز تنگدستی آن را در اختیارتان بگذارم و یک‌دهم‌ش را برای خود بردارم. فرزندان از شنیدن این خبر مسرت‌بخش خوشحال شدند و گفتند: هر قدر پدر ما برای شما وصیت کرده دو برابر خواهیم داد. جوان پول‌ها را آورد. آنها دو هزار دینار به وی دادند و هشت هزار دینار را با خود بردند. چند روزی از این قضیه گذشت. عبدالملک بازماندگان افسر مقتول را به علت نامه‌ای که نوشته بودند، به دربار خود احضار کرد و از وضع زندگی آنان پرسش نمود. داستان جوان را به اطلاع خلیفه رساندند. عبدالملک بی‌درنگ جوان را احضار کرد و از مراتب درستکاری و امانت وی تجلیل بسیار کرد و مقام خزانه‌داری کشور را به او سپرد و گفت: من هیچ کس را نمی‌شناسم که مانند تو شرط درستی و امانت را به‌جای آورده باشد.^۱

در نقطه مقابل دروغگویی برخی چه بسا باعث شود دیگران نه تنها

۱. محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۲۳۳.



نسبت به دروغگو بلکه حتی نسبت به کیش و آیین او بی اعتماد شوند. گاهی دروغ یک دروغگو آسیبهای جبران ناپذیری دارد. به این داستان تکان دهنده توجه نمایید:

شخصی که در یکی از مراکز اسلامی لندن کار می کرد تعریف می کرد که یک روز سوار تاکسی می شود و کرایه را می پردازد. راننده بقیه پول را که برمی گرداند ۲۰ سنت اضافه تر می دهد. می گفت: چند دقیقه ای با خودم کلنجار رفتم که بیست سنت اضافه را برگردانم یا نه. آخر سر بر خودم پیروز شدم و بیست سنت را پس دادم و گفتم آقا این را زیاد دادی ... گذشت و به مقصد رسیدیم. موقع پیاده شدن راننده سرش را بیرون آورد و گفت آقا از شما ممنوم. پرسیدم بابت چی؟ گفت می خواستم فردا بیایم مرکز شما و مسلمان شوم اما هنوز کمی مرده بودم. وقتی دیدم سوار ماشینم شدید خواستم شما را امتحان کنم. با خودم شرط کردم اگر بیست سنت را پس دادید بیایم. فردا خدمت می رسیم تعریف می کرد: تمام وجودم دگرگون شد حالی شبیه غش به من دست داد. من مشغول خودم بودم در حالی که داشتم تمام اسلام را به بیست سنت می فروختم.^۱

ج) صداقت، راه نجات حتمی:

بر خلاف خیلی ها که تصور می کنند اگر واقعیت را مطرح کنند، هلاک می شوند، صداقت مایه نجات انسان است. ممکن است انسان با راستگویی در کوتاه مدت متحمل ضرری بشود، اما در درازمدت برد

۱. پایگاه اینترنتی مشرق نیوز



با راستگویان است. مثل کاسبی که در جواب مشتری که از او می‌پرسد این جنس خوب است؛ با صداقت می‌گوید نه. در اینجا ممکن است این شخص این جنس را نخرد، ولی دفعه بعد باز به او مراجعه می‌نماید و چنانچه کاسب جنس خوبی را به او معرفی کند، به حرف او اعتماد می‌کند. علاوه بر اینکه این گونه مشتری‌ها تبلیغ‌کننده خوبی برای چنین کاسبی می‌شوند که از هر پوستر و تابلوی تبلیغاتی مؤثرتر هستند. خوب است این حدیث کوتاه و شریف را در حافظه خود ثبت و پیوسته با خود مرور نماییم که:

«النَّجَاةُ مَعَ الصَّدَقِ؛^۱ نجات در صداقت است.»

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

«الصَّدَقُ يُنَجِّيكَ وِ اِنْ خِفْتَهُ، الْكِذْبُ يُرْدِيكَ وِ اِنْ اَمِنْتَهُ؛^۲

صدق تو را نجات خواهد داد، هرچند تو از گفتن آن بترسی و دروغ تو را هلاک خواهد کرد، هر چند تو آن را مایه ایمنی خود بدانی.»

در نظر داشته باشیم این کلام را کسی می‌فرماید که از همه قواعد حاکم بر نظام هستی و وجود ما خبر دارد.

صداقتی پرسود

یکی از تجار شکر در بصره به کار و کسب مشغول بود. او غلامی داشت که به شوش دانیال مسافرت کرده بود تا برایش شکر خریداری کند. روزی آن تاجر نامه‌ای از غلامش دریافت کرد که در آن نوشته بود: امسال شکرها را آفت زده و شکر گران خواهد شد؛ پس هرچه می‌توانی شکر خریداری کن. آن

۱. آمدی، غررالحکم، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۱۸ و ص ۲۲۰.



تاجر هم مقدار زیادی شکر از تاجر دیگری خریداری کرد و انبار نمود. پس از مدتی کوتاه شکر گران شد و او با فروش شکرها مبلغ سی هزار دینار (یا درهم) سود برد. اما شب که به خانه رفت، متوجه شد که کارش اشتباه بوده است. با خود گفت: سود بسیاری بردم، اما کلاه بر سر مسلمانی گذاشتم و در حقیقت این ضرر بزرگی است که متوجه من شده است. صبح نزد آن تاجر آمد و همهٔ منافعی که برده بود، به او داد و گفت: اینها متعلق به تو است. آن تاجر گفت: از کجا این اموال متعلق به من شد؟ گفت: من حقیقت را از تو پنهان کردم و تو را از گران شدن شکر مطلع نساختم و به قیمت ارزان شکرهایت را خریداری نمودم و این سود را بردم. در حالی که باید تو این سود را برده باشی. تاجر اولی گفت: اینک که جریان را گفتمی، من همهٔ این پولها را حلال کرده و به تو بخشیدم.^۱

تجربه ای گرانبها از عالمی صدساله

آیت الله بهلول (ره) که بیش از صد سال عمر کرد، از تجارب خود چنین می گوید:

من در تمام عمرم یک عمل را ترک کرده ام و اصلاً انجام نداده ام و یک عمل را اصلاً ترک نکرده ام و تحت هر شرایطی به جا آورده ام و از این دو کار هم برکات زیادی دیده ام که آن را به همهٔ شما سفارش می کنم. آنکه ترک کرده ام دروغ است و آنکه ترک نکرده ام، نماز شب است.^۲

۱. فیض کاشانی، شنیدنی های تاریخ، ج ۳.

۲. عباس موسوی مطلق، اعجوبه عصر، بهلول قرن چهاردهم، ص ۱۱۲.

(د) صداقت و سهولت قوانین:

اگر افراد یک جامعه با یکدیگر با صداقت رفتار نکنند و دروغ گفتن، زرنگی و لازمه زندگی تلقی شود، آنگاه حاکمان مجبورند برای جلوگیری از رفتارهای غلط، قوانینی سخت برقرار کنند. هر روز بروکراسی اداری، بیشتر و پرمرحله‌تر می‌شود تا جلوی حقه و کلک افراد گرفته شود. اما در مقابل، صداقت و پاکی باعث می‌شود افراد به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته و در نتیجه راحت‌تر و سریع‌تر با هم تعامل داشته باشند.

جایگاه دروغ در فرهنگ دین

دروغ کلید همه بدی‌ها:

امام باقر علیه السلام در روایتی بسیار جالب توجه فرمودند: «خداوند برای کارهای شر قفل‌هایی نهاده که کلید همه این قفل‌ها شراب‌خواری است و دروغ از شراب‌خواری بدتر است»^۱. چرا که دروغ در صاحب خود بسیاری از رذائل مانند غش، نفاق، تملق، حیله، خیانت، ریا، بدقولی و پیمان‌شکنی را به وجود می‌آورد. بسیاری از درگیری‌ها، قتل‌ها، طلاق‌ها و... از یک دروغ شروع شده است.

دروغ بزرگ‌ترین گناه زبان:

دروغ بزرگ‌ترین گناه کبیره است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شما را به بزرگ‌ترین گناه کبیره خبر دهم؟ شرک به خدا و عاق والدین و سخن دروغ»^۲.

دروغ‌گویی بدتر از ربا:

از فرمایش‌های رسول خدا است که فرمودند: «أرْبَى الرِّبَا الكُذْب»^۳ بدترین ربا دروغ‌گویی است».

دروغ خیانت به دیگران است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خیانت بزرگی است که برادرت تو را راستگو بداند در حالی که تو به او خبر دروغی بدهی»^۴.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۳۴۲.

۳. ورام‌ابن‌ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۸.

۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۷.

۵. ورام‌ابن‌ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۴.



❁ دروغ روی دیگر نفاق:

دروغ و نفاق دو روی یک سکه هستند. «چراکه راستگویی یعنی هماهنگی زبان و دل، و دروغ ناهماهنگی این دو است. و نفاق نیز چیزی جز تفاوت ظاهر و باطن نیست.

در آیه ۷۷ سوره توبه می‌خوانیم:

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بَمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ؛ اعمال آنها نفاقی در دل‌هایشان تا روز قیامت ایجاد کرد، به خاطر اینکه عهد خدا را شکستند و به خاطر اینکه دروغ می‌گفتند»^۱.

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «سه خصلت است که در هر کس باشد منافق است، هرچند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند: در امانت خیانت کند. در سخن دروغ بگوید. در وعده تخلف کند»^۲.

مفاسد دروغگویی

❁ دروغ عامل محرومیت از هدایت الهی:

حضرت حق در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ»^۳ خداوند هرگز آن کس را که دروغگو و کفران‌کننده است، هدایت نمی‌کند».

❁ دروغ و سیاهی باطن:

حضرت رسول ﷺ که باطن همه انسان‌ها را می‌بینند، می‌فرمایند: «دروغ صورت انسان را سیاه می‌نماید» و به حضرت علی رضی الله عنه

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۱۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۲۹.

۳. زمر: ۳.



این گونه سفارش می کنند که: «علی جان! دروغ نگو که نورانیت تو را از بین می برد».^۱

دروغ و کاهش رزق:

برخلاف اعتقاد برخی که معتقدند با دروغ درآمد بیشتری دارند، پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «الْكَذِبُ يُورِثُ الْفَقْرَ»^۲ دروغ فقر را به همراه دارد». در اینجا روایتی کارگشا را نقل می نمایم. امام صادق علیه السلام فرمودند: «رزق هر کسی از حلال مقدر و تقسیم شده است [که به هر ترتیب به او هم خواهد رسید]. حال اگر کسی از راه حرام رزقی را به دست آورد، از رزق حلال او کم می گذارند، علاوه بر اینکه باید پاسخگوی این رزق حرام باشد».^۳ پس با دروغگویی چیزی به رزق ما اضافه نمی شود؛ بلکه فقط حلال را حرام می نمایم.

دروغ، دورکننده ملائکه:

پیامبر خدا ﷺ در حدیثی هشداردهنده فرمودند: «هرگاه بنده دروغ بگوید، از بوی گندی که پدید آورده است، فرشته یک میل از او دور می شود».^۴ کسی که فرشته با او نباشد، محافظ ندارد و از نورانیت و آرامش محروم می شود. آن حضرت در حدیث بسیار تکان دهنده دیگری فرمودند: «هرگاه مؤمنی بدون عذر شرعی، دروغ بگوید، هفتاد هزار فرشته او را لعنت می کنند و از دل او تعفن و گندی بلند می شود و بالا می رود تا به عرش می رسد».^۵

۱. حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۴۳.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۷.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۴۷.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۵۷.

۵. تاج الدین شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۴۸.



نکته: این اختلاف جزائی که در این دو روایت دیده می‌شود، شاید به علت اختلافی باشد که دروغ‌ها با هم دارند. همه دروغ‌ها یکسان نیستند و برخی فجیع‌تر و فاسدکننده‌تر هستند؛ چنان‌که در ادامه خواهد آمد.

دروغ عامل فراموشی:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«از جمله کارهای خداوند بر ضد دروغ‌گویان، فراموشی است.»^۱ لذا خیلی زود فراموش می‌کنند که قبلاً چه گفته و در نتیجه خود را رسوا می‌کنند.

دروغ و دوری از نگاه رحمت الهی:

حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

سه کس هستند که روز قیامت خداوند با آنها سخن نگوید و به آنها ننگرد و آنها را پاک نگرداند: کسی که با بخشش خود منت گذارد، و کسی که قسم دروغ خورد که جنس خود را بیشتر از قیمت واقعی خریده است، و کسی که جامه خویش را [از روی تکبر] چندان دراز کند که وقتی راه رود به زمین برسد.^۲

محرومیت از نماز شب:

فردا بسیاری هستند که به نماز شب علاقه دارند، اما توفیق آن را پیدا نمی‌کنند. امام صادق علیه السلام یکی از دلایل این بی‌توفیقی را چنین برشمردند: «همانا فرد دروغی می‌گوید و به سبب آن، از نماز شب محروم می‌شود».^۳

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۰.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۲۲.



عذاب برزخی دروغگو:



پیامبر خدا ﷺ فرمود:

گویا مردی به نزد من آمد و گفت: برخیز. برخاستم و با او روانه شدم. تا رسیدم به دو نفر، یکی نشسته بود و دیگری ایستاده. در دست او قلبی از آهن بود. آن را فرو می‌برد به یک طرف سر او و می‌کشید تا به شانه او می‌رسید. بعد از آن بیرون می‌آورد و به طرفی دیگر فرو می‌برد. من گفتم: این چه عمل است؟ گفت: این مرد نشسته دروغ‌گویی بوده است که تا روز قیامت به این نحو در قبرش، عذاب می‌شود.^۱

کلامی زیبا از امام خمینی (ره)

«اکنون با این همه اخبار و تشدیدات رسول خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام، خیلی جرئت و شقاوت می‌خواهد که انسان اقدام به این امر بزرگ و خطیئه مهمه نماید».^۲

نگرانی شیخ عباس قمی در روزهای آخر عمر

در شرح احوال مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) آورده‌اند: کسی در حضور او جرئت غیبت نداشت؛ هر کس و از هر طبقه‌ای که بود. خود نیز چنان از گناهان و غیبت و دروغ احتراز داشت که فوق تصور است. در ایام بیماری‌اش - که منجر به وفاتش شد - یکی از علمای تهران برای عیادت به حضورش رسید. حاج شیخ عباس آن روز بسیار ناراحت و غرق در فکر بود. آن عالم بزرگ پرسید: از چه چیزی ناراحت هستید؟ شیخ پاسخ داد: در سفری که به حج رفتم، در

۱. فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۴۱.

۲. امام خمینی، اربعین حدیث، ص ۴۷۳.



مکه معظمه خواستم به روش محدثان که از یکدیگر برای نقل حدیث اجازه می‌گیرند، از یکی از محدثان عامه اجازه حدیث بگیرم. وقتی این منظور را با وی در میان نهادم، عالم سنی مطلبی گفت و من روی مصالحی، به دروغ، آن را انکار کردم. اکنون در این فکرم که فردای قیامت، چگونه این دروغ را در محضر عدل الهی توجیه کنم.^۱

دروغ‌های فراگیر

برخی افراد ناخواسته و با کم‌توجهی دچار دروغ‌گویی می‌شوند، در حالی که خود را انسان صادقی می‌دانند. در اینجا برخی از مواردی را برمی‌شمیریم که افراد از روی غفلت در آنها دچار دروغ‌گویی می‌شوند.

۱. «خدا می‌داند»:

تکیه کلامی است که برخی دارند. این افراد خیلی وقت‌ها در حالی که کلامشان واقعیت ندارد، می‌گویند: «خدا می‌داند» که این، نوعی دروغ‌گویی است. حضرت عیسی علیه السلام می‌فرمایند: «از بزرگ‌ترین گناهان در پیشگاه خدا این است که بنده بگوید: خدا می‌داند؛ در حالی که دروغ می‌گوید».^۲ در بعضی روایات آمده است: «چون بنده، خدا را بر امر خلاف واقعی گواه گیرد، خداوند عالم گوید: از من ضعیف‌تری نیافتی که مرا بر این امر دروغ، شاهد آوردی».^۳

۲. اظهار بی‌میلی:

خیلی اوقات ما را به خوردن غذا یا نوشیدنی دعوت می‌نمایند و ما

۱. رضا مختاری، سیمای فرزنانگان، ص ۱۰۵.

۲. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۵۷.

۳. همان.



.....کلیدبدها.....

هم با آنکه در باطن میل داریم، اظهار بی میلی می کنیم.
در این حالت علاوه بر محرومیت از آن غذا یا نوشیدنی، دچار
دروغگویی نیز می شویم.

۳. اظهار پرمشغلی:

گاهی افراد دربارهٔ اینکه چرا نمی توانند با هم باشند، دروغ می گویند.
مثلاً می گویند: «سرم خیلی شلوغ است، کارهای زیادی دارم، در حال
حاضر وقت ندارم».

۴. اظهار فقر:

خیلی از افراد در عین اینکه درآمد متوسط یا نسبتاً خوبی دارند، اما با
این حال اظهار کم درآمدی و بی پولی می کنند.

۵. اظهار علاقه:

گاهی فردی به دیگری اصلاً علاقه ندارد، اما اظهار اخلاص
و محبت می کند.

انواع دروغ

دروغگویی فقط در گفتار اتفاق نمی افتد؛ بلکه انواع
دیگری هم دارد:

۱. دروغ نوشتاری:

مثل بسیاری از اخبار دروغ که در جراید یا در فضای اینترنت
منتشر می شود.

۲. دروغ تصویری:

مثل اینکه طوری عکس برداری می کنند یا تصاویر را طوری دستکاری
می نمایند که واقعیت به نحو دیگری منعکس شود.



۳. دروغ اشاره‌ای:

مثل اینکه با سر تکان دادن به طرف مقابل نشان می‌دهد که کلام او را فهمیده یا حرف او را تأیید کرده، در حالی که این‌طور نیست.

۴. دروغ رفتاری:

مثلاً لباس پزشک بپوشد در حالی که پزشک نیست یا مغازه فنی بزند و تابلو بالا ببرد، در حالی که تخصص ندارد. یا اینکه کسی کتابخانه بزرگی در منزل تهیه کند تا دیگران او را اهل مطالعه تصور کنند، در حالی که اصلاً اهل مطالعه نیست.

نمونه ای از دروغ رفتاری:

روزی پادشاهی سالخورده که دو پسرش را در جنگ با دشمن از دست داده بود، تصمیم گرفت برای خود جانشینی انتخاب کند.

پادشاه تمام جوانان شهر را جمع کرد و به هر کدام دانه گیاهی داد و از آنها خواست، دانه را در یک گلدان بکارند و گیاه رشد کرده را در روز معینی نزد او بیاورند. یکی از آن جوان‌ها بود که تصمیم داشت تمام تلاش خود را برای پادشاه شدن بکار گیرد، بنابراین با تمام جدیت تلاش کرد تا دانه را پرورش دهد ولی موفق نشد. به این فکر افتاد که دانه را در آب و هوای دیگری پرورش دهد، به همین دلیل به کوهستان رفت و خاک آنجا را هم آزمایش کرد ولی موفق نشد. حتی با کشاورزان دهکده‌های اطراف شهر مشورت کرد ولی همه این کارها بی‌فایده بود و نتوانست گیاه را پرورش دهد. بالاخره روز موعود فرا رسید. همه جوان‌ها



کلیدبدها.....

در قصر پادشاه جمع شده و گیاه کوچک خودشان را در گلدان برای پادشاه آورده بودند. پادشاه به همه گلدان ها نگاه کرد. وقتی نوبت به آن جوان رسید، پادشاه از او پرسید: «پس گیاه تو کو؟» آن جوان ماجرا را برای پادشاه تعریف کرد. در این هنگام پادشاه دست آن جوان را بالا برد و او را جانشین خود اعلام کرد. همه جوانان اعتراض کردند. پادشاه روی تخت نشست و گفت: «این جوان درستکارترین جوان شهر است. من قبلاً همه دانه ها را در آب جوشانده بودم، بنابراین هیچ یک از دانه ها نمی بایست رشد می کردند.» پادشاه ادامه داد: «مردم به پادشاهی نیاز دارند که با آنها صادق باشد، نه پادشاهی که برای رسیدن به قدرت و حفظ آن به هر کار خلافی دست بزند.»

مراتب دروغ

دروغ بر خدا و حضرت رسول ﷺ

همه دروغ‌ها در بدی و پلیدی یکسان نیستند، بلکه برخی بدتر و فاسدکننده‌تر هستند. بدترین نوع دروغ، دروغ بستن به خداوند متعال و اهل بیت علیهم‌السلام است. چنان که در قرآن می‌فرماید:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ؛^۱ چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: بر من، وحی فرستاده شده، در حالی که به او وحی نشده است، و کسی که بگوید: من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده است، نازل می‌کنم؟!۱

۱. انعام: ۹۳.



ملا احمد نراقی (ره) در این باره نویسند:

مخفی نماند که بدترین انواع دروغ، دروغ بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام است، یعنی کسی مسئله‌ای گوید که مطابق با واقع نباشد، یا حدیثی دروغ نقل کند و امثال اینها. و همین قدر در مذمت دروغ بر ایشان کافی است که روزه را باطل می‌کند و باعث وجوب قضا و کفاره می‌شود بنابر اقوی.^۱

یکی از این نوع دروغ‌ها، روضه‌های بی‌اساس و دروغی است که متأسفانه گاهی برخی مداحان می‌خوانند. این در حالی است که ندانسته به جای ثواب، دچار گناه و معصیتی بزرگ شده و زمینه تحریف دین را فراهم می‌سازند.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «ای ابا نعمان! از دروغ بستن به ما پرهیز که از دایره اسلام خارج خواهی شد.»^۲

قسم دروغ

یکی از بدترین و فاجعه‌آمیزترین دروغ‌ها، قسم دروغ است؛ یعنی شخص علاوه بر دروغ، بر دروغ خود قسم می‌خورد. گناه این نوع دروغ بیشتر و بدتر است؛ تا جایی که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هر که سوگندی بخورد و بداند که دروغ می‌گوید، به جنگ خدا رفته است.»^۳

در نصیحتی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، آثار این نوع دروغ را چنین بیان می‌نمایند: «ای علی! چنانچه ضرورتی در میان نباشد، نه به راست و نه به دروغ، به خدا سوگند مخور و خدا را دستاویز سوگند خود قرار مده؛ زیرا خداوند به کسی که به نام او سوگند دروغ بخورد،

۱. نراقی، معراج السعاده، ص ۵۷۴.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۳. همان، ج ۷، ص ۴۳۵.



رحم نمی‌کند و از او مراقبت نمی‌نماید»^۱ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «چگونه از عذاب خدا در امان ماند، کسی که بی‌محابا سوگند دروغ می‌خورد؟!»^۲

حضرت امیر علیه السلام به فروشندگان چنین توصیه فرمودند: «هنگام کسب و کار کمتر قسم بخورید؛ چرا که قسم خوردن هر چند باعث می‌شود کالای شما به فروش برود، سود واقعی شما را کم می‌کند»^۳. نکته جالب این حدیث این است که حضرت فرمودند قسم دروغ نخورید، بلکه فرمودند قسم نخورید؛ چه دروغ باشد چه راست. یعنی قسم، راست هم که باشد، سود کسب را کم می‌کند. وقتی قسم راست این‌گونه باشد، قسم دروغ با کسب و کار چه می‌کند؟ چقدر بی‌ادبی است که انسان برای هر چیزی اسم مبارک و مقدس مالک و پادشاه هستی، حضرت رب العالمین یا یکی از اولیای الهی را بیاورد تا چند ریال سود بیشتر به دست آورد!

شهادت دروغ

یکی دیگر از بدترین انواع دروغ، شهادت دروغ است. یعنی شخص در دادگاه به چیزی شهادت دهد که واقعیت ندارد؛ گناه بزرگی که هشدارهای سنگینی در مورد آن داده شده است. در ادامه چند نمونه از آنها را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیان کرده‌اند، مطرح می‌کنیم: هر که درباره مردی مسلمان یا ذمی یا هر انسانی شهادت دروغ دهد، در روز قیامت به زبانش آویزان می‌شود و با منافقان، در پایین‌ترین طبقه دوزخ باشد.^۴ روز قیامت شهادت‌دهنده به دروغ، در حالی برانگیخته

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۳.

۲. آمدی، غرر الحکم، ص ۲۱۹.

۳. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۶۲.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۲۵.



می‌شود که همانند سگ که ظرف غذا را زبان می‌زند،
آتش را زبان می‌زند.^۱ شاهد دروغ، مانند بت پرست است.^۲

علت‌های دروغگویی

تمام افعال انسان، ریشه در یک خصوصیت روحی و روانی دارد. در واقع اعمال انسان نتیجه افکار و ویژگی‌های روحی او هستند. فعل معیوب از شخصیت و روح معیوب صادر می‌شود. از این رو علت دروغگویی افراد را باید در خصوصیات روحی و روانی آنها جست‌وجو نمود. دروغگویی افراد عمدتاً از یکی از موارد زیر نشئت می‌گیرد.

۱. جهل:

انسانی که به آثار مخرب دنیایی و آخرتی و همچنین آثار زیان بار فردی و اجتماعی دروغ آگاهی ندارد و قبح این گناه در نظرش ریخته شده، به راحتی دروغ می‌گوید.

۲. ضعف ایمان:

از آنجا که برخی به خدا و قدرت و وعده‌های او ایمان لازم را ندارند، از قدرت دیگران بیشتر می‌ترسند یا برای توجه دیگران بیش از توجه خدا ارزش قائل هستند یا به مؤثر بودن دروغ در نجات پیدا نمودن بیشتر از توان خدا ایمان دارند. از این رو به راحتی دروغ می‌گویند.^۳

۳. حب دنیا:

عشق و علاقه زیاد برای رسیدن به مال، مقام، شهرت و... باعث می‌شود تا عده‌ای به هر وسیله‌ای، حتی دروغ، آن را به دست بیاورند.

۱. دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. عبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰۹.

۳. همه دلایلی که در ادامه عرض می‌کنیم، به همین دلیل برگشت می‌نماید.



۴. ترس:

ترس از دست دادن چیزی مثل آبرو یا مال یا شخص مورد علاقه، باعث می‌شود تا انسان دروغ بگوید.

۵. حقارت نفس:

دروغگو چون در خود احساس کمبود شخصیت می‌کند، سعی دارد با گفتن دروغ بر کمبودهای خویش سرپوش گذاشته، خود را انسان کامل و بی‌عیبی جلوه دهد.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «دروغگو دروغ نمی‌گوید، مگر به خاطر حقارت نفسی که در خود احساس می‌کند»^۱.

«دروغگو چنین می‌پندارد که بی‌ارزش بودن خود را می‌تواند به وسیله سخن دروغ جبران کند! دانا احتیاج به دروغ‌گویی ندارد؛ چون دارای دانش است. شایستگان، احتیاج به دروغ‌گویی ندارند؛ چون شایستگی دارند. عطر خودش می‌بوید؛ نیازی به ستودن عطار نیست. وقتی به ستودن عطار، نیازمند می‌باشد که فاقد بوی خوش باشد».

۶. تربیت غلط:

گاهی والدین خودشان به فرزندانشان دروغ گفتن را یاد می‌دهند. برای مثال مادر یا پدر به فرزندش می‌گوید: «بگو من نیستم یا بگو فلان چیز را نداریم». ما خودمان فرزندانمان را به گفتن دروغ تشویق می‌کنیم و بعد که آنها در این کار خبره می‌شوند و به راحتی دروغ می‌گویند، از آنها گله می‌کنیم.

۷. رایج بودن دروغ‌گویی:

وقتی دروغ‌گویی در جامعه ای زرنگی و رمز موفقیت تلقی گردد، آنگاه افراد این جامعه در دروغ‌گویی از هم سبقت می‌گیرند؛ لذا

۱. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۳۲.



باید هرچه بیشتر با فرهنگ‌سازی و تبلیغات پر حجم رسانه‌ای، دروغ‌گویی را تقیح نمود.

۷. خودشیفتگی:

خودشیفتگی یکی از بیماری‌های روانی است که در فرهنگ دینی به آن «عُجب» می‌گویند. یعنی شخص خود را بزرگ و خیلی مهم تصور می‌کند و شیفته خود است. چنین کسی به راحتی دروغ می‌گوید تا این بزرگی خیالی را به رخ دیگران بکشد یا مواردی را پوشاند که خلاف این بزرگی را نشان می‌دهد.

۸. تعصب یا نفرت:

گاهی برخی نسبت به کسی یا چیزی تعصب شدید دارند. از این رو برای حفظ عظمت و بزرگی او و پوشاندن معایبش دروغ می‌گویند یا به زیان کسی که مورد نفرت و کینه آنها است، بر خلاف واقع سخن می‌گویند.

۹. عدم پذیرش اشتباه:

بسیاری از اوقات افراد برای اینکه جرئت و شجاعت قبول خطای خود و به عهده گرفتن مسئولیت اشتباه خویش را ندارند، به دروغ متوسل می‌شوند.

۱۰. پرهیز از دخالت دیگران:

گاهی برخی به قدری درصدد دست یابی به اطلاعات زندگی دیگران هستند که افراد را مجبور به دروغ‌گویی می‌کنند.



علل دروغگویی کودکان:

علاوه بر موارد فوق کودکان به خاطر دلایلی اقدام به دروغ گویی می نمایند:

۱. تخیل:

تا سن ۴-۵ سالگی کودک تفاوت میان دنیای تخیلی و دنیای واقعی را نمی شناسد از این رو اگر در این سنین سخنی را به دروغ بگوید جای نگرانی نیست زیرا از دنیای تخیلی خویش سخن می راند و نمی توان آن را دروغ خواند. اما از ۵ سالگی به بعد، اندک اندک می تواند درک کند که می توان به تبعیت از والدین، برنامه های تلویزیونی، محیط مهد کودک و محیط جامعه؛ راست و ناراست را با یکدیگر مخلوط کرد و فرد مقابل را فریب داد. این حالت با چند دروغ ساده شروع می شود و چنانچه در بستر مناسب رشد بیفتد به یک بیماری شخصیتی در وی تبدیل می شود. از این رو والدین ابتدا باید انگیزه های

دروغ گویی را در کودک خود کشف کنند و سپس به درمان آن پردازند تا از ایجاد این بیماری شخصیتی که موجب مسخ شخصیت کودکشان و آسیب رساندن به دیگران می شود جلوگیری کنند.

۲. ترس از تنبیه:

گاهی تنبیه های شدید ما برای امور کم اهمیت باعث می شود کودکانمان برای فرار از این تنبیه ها به دروغگویی پناه ببرند. واقع این خودمان هستیم که با برخورد ناصحیح فرزندمان را به دامن دروغگویی رانده ایم.

۳. علاقه به تشویق زیادی:

زیاده روی در تشویق فرزندان و انتخاب مشوق هایی که برای آنها خیلی زود و بزرگ است باعث می شود شوق فراوان برای به دست



آوردن آنها پیدا کنند و سعی نمایند با دروغگویی خود را به آن برسانند.

۴. تامین نمودن نیازهای طبیعی

تامین نمودن نیازهای ابتدایی فرزندان باعث می شود بچه هایمان تلاش کنند تا با گفتن دروغ به آنچه علاقه یا نیاز شدید دارند برسند.

راههای درمان دروغگویی

همان طور که ملاحظه نمودید، دلایل دروغگویی متعدد است که پرداختن به راهکار درمان همه علل فوق، در این اوراق نمی گنجد. لازم است هر شخصی که مبتلا به پدیده زشت اخلاقی است، با دقت در حالات خود یا فرزندان خود، علت آن را پیدا کند و با مطالعه و مراجعه به مشاوران شایسته و مورد اطمینان، برای درمان آن راهکاری ویژه بیابد. ما در اینجا به چند راهکار اساسی می پردازیم که برای درمان اکثر علت های فوق مؤثر هستند.

۱. مطالعه آثار صداقت و مفاصد کذب:

اگر شخص هر روز یا حداقل هر هفته، آثار و برکات عظیم راستگویی و مفاصد هلاک کننده دروغ را که ذکر شد، مطالعه کند، طبیعتاً از دروغگویی منزجر و در پرهیز از دروغ مصمم می شود. چراکه نفس انسان منفعت طلب و ضررگریز است. فقط کافی است با تلقین و تکرار، مفید بودن صداقت و ضرربخش بودن دروغ را باور کند.

۲. تقویت ایمان:

همه مشکلات اخلاقی ما ریشه در ضعف ایمانمان دارد. اگر ما به خدا و صفات او ایمان کافی داشتیم، از بسیاری از آفات و بلاها از جمله دروغگویی در امان می ماندیم. اگر به قدرت خدا ایمان داشتیم، دیگر



از گفتن حقیقت ترس نداشتیم. اگر لذت مؤانست با او و زیبایی او را چشیده بودیم، دیگر برای جلب رضایت دیگران و از دست ندادن دیگران، خدای هستی را ناراضی نمی‌کردیم. اگر به عذاب‌های اخروی که برای گناهان از جمله دروغ تعیین نموده، اعتقاد می‌داشتیم، به این راحتی گناه نمی‌کردیم. چه زیباست انسان همیشه خود را در همه حال در محضر خدا بدانند و در حضور دوست رعایت حرمت او که بر درون و برون ما ناظر است را بنمایند. لذا لازم است با مطالعه کتب اعتقادی و تحقیق در این زمینه، از جمله مطالعه دربارهٔ برزخ و قیامت، اعتقاد خود را تقویت کنیم تا از این مشکلات نجات یابیم.

۳. عبادت و خلوت با خدا:

از جمله عواملی که اطلاعات و دانش مذهبی را تبدیل به یقین و باور می‌کند، عبادت و ذکر خدا است. ذکر «الله» شفای همهٔ دردهای روحی و روانی و حتی جسمی است. اگر هر روز برای خلوت با خدا ساعتی را مشخص کنیم و در آن ساعت، در به روی دنیا ببندیم و بر درگاه الهی سر بگذاریم و این عمل را مدتی تکرار کنیم، آن‌چنان لذت و آرامشی پیدا می‌کنیم که حاضر نیستیم آن را با هیچ لذتی عوض کنیم. آن‌چنان اعتقادی به حضور و قدرت خدا و دیگر صفات او پیدا می‌کردیم که دیگر بی‌نیاز توجه دیگران و بی‌توجه واکنش دیگران می‌شدیم. پس به نماز اول وقت، تعقیبات نماز، تلاوت قرآن، استغفار روزانه، دائم‌الوضو بودن و حضور در اماکن مقدس مثل مسجد و حرم امامان و امامزاده‌ها اهمیت بیشتری بدهیم تا فضای زندگی و شخصیت ما عوض شود و به آرامش و معنویت برسیم.



۴. پرهیز از مجالست با افراد دروغگو:

انسان بر دین و مرام کسانی رفتار می‌کند که با آنها دوست، رفیق و همنشین است. لذا باید سعی کند با انسان‌های دروغگو که قبیح و زشتی گناه در نظرشان کم شده، نشست و برخاست نداشته باشد و از خدا دوستانی پاک و متقی بخواهد.

۵. تمرین قبول اشتباه خود:

هرگاه اشتباهی نمودیم، با گفتن دروغ برای پوشاندن آن، کار را بدتر نکنیم. در نظر داشته باشیم که اغلب انسان‌ها دارای عیب هستند و هیچ کس از ما انتظار ندارد که کاملاً بی‌عیب و نقص باشیم. مهم این است که ما عیب‌های خود را بپذیریم و از آنها دفاع نکنیم. اگر چه عیب‌ها زشت هستند و ارزش انسان را کم می‌کنند، اما اگر شخص صداقت نشان داد و به عیبش اعتراف کرد، البته در مواقعی که جایز است، چنین فردی زیبا و دوست‌داشتنی می‌شود.

انسان معیوب با صداقت، دوست‌داشتنی‌تر از انسان به ظاهر بی‌عیب ولی دروغگو است. پس بدانیم با یک عذرخواهی ساده (اگر کار اشتباهی انجام داده باشیم) و اقدام به جبران اشتباه، خیلی زود همه چیز رفع خواهد شد و دیگر لازم نیست مدام نگران فاش شدن دروغمان باشیم. خیلی ساده با گفتن حقیقت ماجرا و به گردن گرفتن مسئولیت کارهایمان، احترام دیگران را به دست می‌آوریم و حتی ممکن است دیگران حمایتان هم بکنند.

۶. ایجاد شخصیت:

یکی دیگر از مؤثرترین راه‌های درمان دروغ، پرورش شخصیت در افراد است؛ زیرا همان‌طور که دانستیم، یکی از عوامل مهم روانی



دروغ، احساس حقارت و کمبود شخصیت است. در حقیقت دروغ گفتن نوعی عکس‌العمل برای جبران این موضوع است. اگر مبتلایان به دروغ احساس کنند صاحب نیروها و استعدادهایی در درون خود هستند که با پرورش آنها می‌توانند ارزش و شخصیت خود را بالا ببرند، نیازی به توسل جستن به دروغ برای ایجاد شخصیت قلبی در خود نمی‌بینند. به علاوه باید این‌گونه افراد را متوجه ساخت که ارزش اجتماعی یک انسان راستگو بالاتر است از هر سرمایه مادی و چیزی با آن برابری نمی‌کند. در این بین، اطرافیان و جامعه هم وظیفه دارند به این‌گونه افراد احترام لازم را گذاشته و به آنان شخصیت بدهند تا لازم نباشد فرد برای به دست آوردن شخصیت و جایگاه اجتماعی، دروغ بگوید.

۷. کنترل و ارزیابی:

با خود تصمیم بگیرید که از امروز دیگر دروغ نگویید. به خدا و قدرت بی‌انتهای او توکل کنید و در طول روز مواظب رفتار و گفتار خود باشید تا دروغ نگویید. آخر روز اعمال روزانه خود را بررسی کنید که آیا دروغ گفته‌اید یا نه. اگر خدای نکرده از شما باز دروغی سرزده، استغفار و توبه نمایید و دوباره تصمیم بگیرید که این عمل زشت را ترک کنید. مطمئن باشید با لطف الهی بعد از مدت کوتاهی با عمل به راهکارهای قبل، می‌توانید خود را از این مشکل نجات دهید.



۸. دعا و توسل:

حال که متوجه شدیم دروغ ریشه بسیاری از گناهان و معایب است هر روز و هر شب با دعا به درگاه الهی و توسل به اهل بیت علیهم السلام از ایشان مدد بگیریم تا هر چه سریعتر از همه مراتب و انواع دروغ نجات پیدا نماییم.

تذکرات پایانی

۱. **دروغ‌های جایز:** گفتن هر دروغی حرام نیست و برخی دروغ‌ها هستند که گفتن آنها جایز است؛ مثل دروغ برای آشتی دادن دیگران. حتی گفتن برخی دروغ‌ها واجب است؛ مثل دروغ در میدان جنگ به دشمن یا دروغ گفتن به ظالم یا دزد برای حفظ جان و مال خود یا دیگران.

۲. **راستگویی حرام:** گفتن هر سخن راستی هم جایز نیست، بلکه در برخی موارد راستگویی حرام است؛ مثل سخن‌چینی. انسان سخن‌چین کلام راستی را پیش دیگران می‌گوید و باعث اختلاف آنها می‌شود. یا مثل غیبت که در واقع سخن راستی است که گفتن آن باعث ناراحتی غیبت‌شونده می‌شود. بحث‌های مفصل و مفیدی در این باره در آثار بزرگان وجود دارد که لازم است به این آثار مراجعه نمود.

۳. در پایان یادآور می‌شویم که بسیاری از مطالب زیبا و مورد نیاز در مورد دروغ و صداقت وجود دارد که به علت رعایت اختصار، از گفتن آنها خودداری نمودیم. با معرفی کتب ذیل شما را به مطالعه بیشتر در این زمینه سفارش می‌کنیم.



منابع مطالعاتی:

راه روشن، ترجمه کتاب محجه الیضاء فیض کاشانی؛

معراج السعاده، ملا احمد نراقی؛

قلب سلیم، آیت الله شهید دستغیب؛

دروغ مصلحت آمیز، سید حسن اسلامی. ناشر بوستان کتاب قم

احکام فقهی غیبت و دروغ، (مطابق با فتاوی ده تن از مراجع معظم

تقلید)، صبوری فیروزآبادی، محسن، ناشر دارالتفسیر قم

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. شیخ طوسی، التهذیب، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۵ ش
۳. شیخ طوسی، الأمالی، یک جلد، انتشارات دارالثقافه قم، ۱۴۱۴ ق
۴. حسن بن ابی الحسن دیلمی، إرشاد القلوب، دو جلد در یک مجلد، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق
۵. شیخ مفید، الإختصاص، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ ق
۶. اطیب سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام - تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۷. شیخ صدوق، الأمالی، یک جلد، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش
۸. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۹. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، مؤسسه‌ی الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ ق
۱۰. شیخ صدوق، الخصال، دو جلد در یک مجلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ ق



۱۱. حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴ ق
۱۲. حضرت امام خمینی(س)، شرح چهل حدیث(اربعین حدیث)، ۱ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ ق
۱۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، نسخه نرم افزاری.
۱۵. عبدالله جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، نسخه نرم افزاری
۱۶. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ۲ جلد در یک مجلد، انتشارات مکتبه الفقیه، قم
۱۷. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ ق
۱۸. رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، ۱۴۱۲ هجری قمر
۱۹. ملا محسن فیض کاشانی، المحجۀ البیضاء فی تہذیب الإحیاء، مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق
۲۰. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، هجرت، قم، پنجم، ۱۳۷۷ ش
۲۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ ش



کلیدبدها

۲۲. ثقة الاسلام کلینی، الکافی، ۸ جلد، دار الکتب
الإسلامیة تهران، ۱۳۶۵ ش
۲۳. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب
الإسلامیة - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، مؤسسه
آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۹ ق

